

نقش دعا در رشد روحی و معنوی انسان از منظر آیات و روایات

رضوان سادات هاشمی نیا^۱

چکیده

یکی از آموزه های تربیتی اسلام دعا و نیایش است، همان درخواست قلبی که طی آن انسان مستقیماً با خداوند ارتباط برقرار نموده و راز و نیاز می کند و در پرتو آن به رشد و تعالی روحی و معنوی می رسد. انسان با دعا کردن به خدای خود پناه می برد و از دارنده کمالات چیزی طلب می کند، و قلب خود را سرشار از لذتی می کند که آرامش را در وجود انسان می آفریند و با اعتماد به یاری حق به سوی موفقیت حرکت می کند. دعا و نیایش با پروردگار، یکی از حقیقت های سازنده جنبه های مثبت آدمی و از بنیادی ترین علل رشد و تعالی انسان می باشد که متأسفانه جامعه امروزی ما نسبت به دعا و نیایش کمی بی توجه شده است و نمی داند که کلید بسیاری از رفع گرفتاری ها و مشکلات و تعالی روحی و دینی به همین ایجاد رابطه خالصانه با پروردگار مربوط می شود. لذا در این تحقیق که به روش توصیفی می باشد و اطلاعات آن به صورت کتابخانه ای گردآوری شده است به بیان مواردی چون؛ عدم احساس پوچی و بی کسی، خوف از خداوند، لطافت روح و قلب، دفع بلا و... پرداخته و نتیجه بدست آمده آن که اگر افراد در کارهای خود به حسن فاعلی کار توجه داشته و نیت خود را برای خداوند خالص گردانند و در حد توان خود، این نیت را در شکل و قالبی خدا پسندانه به منصف ظهور برسانند و در صدد کسب رضایت و خشنودی باشند و باری تعالی را تنها مأمن و پناهگاه واقعی خود در زندگی بدانند علاوه بر این که روح خود را تقویت می کنند به طور ناخودآگاه باعث تعالی معنوی خود نیز می شوند.

کلید واژه ها: تعالی، روحی، معنوی، دعا

^۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه فاطمیه شهرستان پیشوا، ۱۴۰۳

مقدمه

دعا وسیله قرب و نزدیکی بنده با پروردگار، عبد با معبود و مخلوق با آفریدگار است. دعا زمینه ساز آرامش روح و روان انسان است. اینکه انسان همواره در دعا تمام نگاه خویش را فقط به معبود متوجه می سازد و از غیر او چشم می پوشد. در واقع شخص با دعا کردن نوعی یگانه پرستی و دوری از شرک را تمرین می کند و وحدانیت و یکتاپرستی که شرط اول مسلمانی است را به منصفه ظهور می رساند.

اگر به آیات و روایات رجوع کنیم می بینیم که در تمام ادیان الهی به دعا سفارش شده زیرا دعا تنها همنشینی هست که تنهایی را به انس و الفت تبدیل می کند و لذت زندگی را افزایش می دهد و نشاط را در قلب انسان به وجود آورده و انسان، امیدوار به وعده های خدایی در دنیا و آخرت می شود.

از جمله کتب و مقالاتی که در این باره به نگارش درآمده است می توان به :

- کتاب نقش دعا در زندگی ، اثر اعظم بحرانی.

- کتاب تحلیل بر آثار دعا در زندگی فردی و اجتماعی (و شروط دعای مستجاب)، اثر نبیل شعبان

- کتاب تمرین بندگی؛ فواید و آثار دعا و نیایش در زندگی انسان، اثر سید محمد سیدیان آرانی

و مقالاتی چون :

- نقش دعا در زندگی انسان ، تألیف محمد آصف عطایی

- مقاله دعا و نیایش راهی به سوی پیشرفت و تکامل معنوی انسان (با تکیه بر قرآن و نهج ابلاغه)؛

تألیف محمود جهاندیده

- اهمیت و آثار دعا و نیایش و چگونگی بهره گیری از آن در تربیت دینی کودکان و جوانان؛ تألیف

حسین احسانی فر اشاره نمود. اما عمده تفاوت مقاله حاضر با دیگر تألیفات صورت گرفته در این است

که در این مقاله سعی بر آن شده که علاوه بر نقش دعا در تعالی روحی به چگونگی تعالی معنوی آن نیز

پرداخته شود

مفاهیم

۱- دعا

کلمه دعا در لغت نامه دهخدا به این صورت معنا گردیده است که دعاء به معنای حاجت خواستن جمع (ادعیه، دعوات) استغاثه به خدا، استدعای برکت، تضرع، درخواست از درگاه خدا، درخواست حاجت از خدا، درخواست حاجت از خداوند برای خود یا دیگری می باشد.^۱

دعا از ریشه "دعو" است. ابن فارس در تبیین ریشه معنای این واژه می گوید: «هو أن تمیل الشیء إلیک بصوتٍ و کلامٍ یکون منک»^۲ به معنای متمایل کردن چیزی به سمت خود با صدا و گفتار می باشد. واژه دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن مجید در سیزده معنا به کار رفته مانند خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، استغاثه و یاری خواستن، عبادت کردن و ... است.^۳

ابن فهد حلی در تعریف اصطلاحی دعا می نویسد: «دعا بدین معنا است که فرد پست و پایین، از فرد برتر و بالاتر، با حالت خضوع و سرافکندگی، چیزی را طلب کند»^۴.
راغب اصفهانی هم در کتاب لغت خود می گوید: «دعا یعنی ندا کردن بلند کردن و اظهار کردن صدا است»^۵

حقیقت دعا

در مفهوم دعا همان طور که بیان شد می توان گفت که دعا پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی ها و خوبی ها است^۶ و این پیوند بایستی بر اساس یک نوع خودآگاهی و بیداری اندیشه و دل باشد؛ یعنی اول انسان از غفلت خارج شود تا آنگاه به مرتبه دعای حقیقی برسد؛ از این رو در سخنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می خوانیم: «لا یقبل الله عزوجل دعاء قلب لاه»^۷ خداوند دعای غافل دلان را مستجاب

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۶۰۲.

۲. ابی الحسن احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۷۹.

۳. بهاءالدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۱۰۵۴.

۴. مهدی آصفی، آیین بندگی و نیایش، ص ۹.

۵. حسین بن احمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۷۰.

۶. ناصرمکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۶۴۳.

۷. محمد بن یعقوب کلین، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

نمی‌کند»؛ در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) منقول است که دعا، مغز عبادت است.^۱ و به فرموده امام باقر (علیه السلام)، بهترین عبادت، دعا است؛^۲ پس روح هر عبادتی دعا و راز و نیاز با خداوند است.

در مفهوم دعا، خواستن و طلب هم مستتر است، چنانچه در مورد حقیقت دعا باید گفت که آن خواستن چیزی است به وسیله موجود پست‌تر، از موجود برتر، به جهت فروتنی و درماندگی؛^۳ امام صادق (علیه السلام) در مصباح الشریعه^۴ می‌فرماید: «و حقیقت دعا این است که تمام اعضاء و جوارح با تو موافق و هم‌آواز شده و همه در مقابل حق تعالی طلب حاجت و درخواست مطلب کنند و قلب در مشاهده و حضور پروردگار متعال فانی گشته و تمام اختیار در مقابل عظمت و حکومت او سلب شده و همه امور خود را در ظاهر و باطن به خداوند متعال تسلیم و واگذار کند؛ همان است که گفته می‌شود، چنین انسانی که در مسیر حقیقی دعا قرارگرفت، جهت مستجاب شدن دعایش و البته مقبول واقع شدن خودش، خودش را از هرگونه خطا و اشتباهی مصون می‌دارد و همین اولین تأثیر تربیتی دعا است. دعا در قرآن در معانی مختلفی آمده است؛ اما محور همه این معانی «خواندن» است؛ البته خواندنی که با خواست و طلب همراه است.»^۵

۲- معنویت

در اسلام نیز معنویت، از جنبه های اساسی آموزه های دینی برشمرده می شود که شامل اعتقاد به خداوند، کوشش برای پیوند عمیق با خداوند و نیل به تکامل معنوی و آرامش درونی است. در اسلام، معنویت منحصر به مناسک و اعمال عبادی نیست، بلکه به تمام جنبه های زندگی انسان تعمیم می یابد. معنویت در بطن خود، شناخت و تصدیق حضور خداوند در همه جنبه های زندگی بوده که شامل حس عمیق هیبت^۶ و خشیت از خداوند^۷ و احترام و عشق به خالق^۸ است. اسلام به ما می آموزد که معنویت

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۰۰

۲. همان، ص ۳۲۶

۳. میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه تحریرچی، ص ۱۳۹

۴. سید مصطفی حسینی دشتی، دائرة المعارف جامع اسلامی، ص ۹۹

۵. علیرضا برازش، قرآن صاعد، ص ۳۹

۶. نوح: ۱۳

۷. رعد: ۲۱

۸. بقره: ۶۵

به مسجد یا انجام مناسک دینی محدود نیست، بلکه سفری مداوم است که در هر لحظه و هر عملی نفوذ می کند.

— رشد و تعالی معنوی

واژه تکامل، مصدری از ریشه کمل به معنای به کمال رسیدن، رو به کمال رفتن و به تدریج کامل شدن است.^۱ کمال نیز اسمی است به معنای تمام شدن، تمام، تمامیت، آراستگی صفات، آنچه تمامیت و کمال نوع در ذات یا صفات به آن بستگی دارد، آمده است.^۲ فرق تمام و کمال در این است که کمال هر چیزی، حصول غرض از آن چیز است^۳ و تمام بودن هر چیز، منتهی شدن آن به حدی است که دیگر احتیاج به چیزی خارج از خود نداشته باشد. بنابراین، کمال امری زاید بر تمام است و حصول زیبایی و غرض هم در آن نهفته است.^۴ برای مثال تمام انسان، یعنی انسانی که ناقص نباشد و کمال انسان، یعنی صفات پسندیده را هم داشته باشد. واژه معنوی، اسم منسوب است و در لغت به معنای منسوب به معنا، حقیقی و باطنی.^۵ راست، اصلی، ذاتی، مطلق و روحانی است^۶ بنابراین، تکامل معنوی عبارت است از سیر عملی و تدریجی، که روح در درون ذات خود به سوی خدا برای رسیدن به قرب خدا که همان کمال حقیقی است، انجام می دهد.^۷

اگر هدف نهایی انسان کمال و تقرب وی به سمت باری تعالی باشد، طبعاً برای رسیدن به این مقصد انسان باید در مسیری گام نهد که به این مقصود منتهی شود و این به معنای همت در انتخاب و انجام اعمال و رفتارهایی هماهنگ و متناسب با این غایت و نیز پرهیز از افعال و اعمالی است که با آن هدف در تعارض است. درک صحیح از با ارزش بودن عملی، مستلزم شناخت نسبت آن با کمال مطلق و میزان تأثیر آن در تقرب می باشد و چنین امری نیازمند اشراف و احاطه کامل بر فلسفه خلقت انسان، ماهیت و ابعاد وجودی و نیز روند تکاملی اوست. قطعاً چنین اطلاع و احاطه ای برای انسان به صورت عادی میسر نیست و به همین دلیل بعثت انبیا و نزول وحی جهت آوردن احکام و تعالیم رشد و کمال ضرورت یافته است. بر همین مبناست که ملاک کار نیک و پسندیده و متناسب با کمال در اسلام، هماهنگی با

۱. محمد معین، فرهنگ معین، ص

۲. همان، ص

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۷۲۶، کمل، ۱۴۲۹

۴. علی مؤمنی، کمال انسان و انسان کامل، ص ۳۹

۵. محمد معین، فرهنگ معین، ص

۶. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص

۷. محمد تقی مصباح یزدی، خودشناسی برای خودسازی، ص ۷۹

نکنید، مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند، دارند و زنان نصیبی [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود] و از فضل [و رحمت] خدا بخواهید و خداوند بر هر چیزی دانا است.»

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «برای هر حاجتی که دارید حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش به سوی خدای عزوجل دراز کنید زیرا تا او، آن را آسان نگرداند، آسان نشود»^۱ باز می فرماید: خداوند به موسی، وحی فرمود: «ای موسی! هر چه نیاز داری از من بخواه حتی علوفه گوسفند و نمک خمیرت را.»^۲ باید توجه داشت که دعا و نیایش و تقاضای فضل و عنایت پروردگار، به این نیست که انسان به دنبال اسباب و عوامل هرچیزی نرود، بلکه باید فضل و رحمت خدای سبحان را در لابلای اسبابی که او مقرر داشته است جستجو کرد.

۹- دفع بلاها

انسان موجودی ضعیف، ناتوان و آسیب پذیر و در عین حال، سطحی نگر است تا زمانی که سختی و مشکلات گریبانش را نگرفته باشد، متوجه ضعف و ناتوانی خود نبوده، مغرور و متکبر، دنیا را به کام خود می بیند. هنگامی که سرش به سنگ خورده و با مانع مواجه می شود، به خود می آید. در آموزه های دینی، به انسان آموزش داده اند که غرور و خودخواهی را کنار گذاشته قبل از آن که سختی، مشکلات و بلاها، دامنگیرش شود؛ با دعا و نیایش بلاها را از خود دور سازد.

امام علی (ع) می فرماید: «امواج بلا را با دعا دفع کنید»^۳ در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم: «قبل از آن که بلا به شما نازل شود، دعا کنید که خداوند به واسطه دعا، بلا را دفع می کند». امام سجاد (ع) می فرماید: «دعا و بلا، تا روز قیامت با هم هستند و دعا، بلا را دفع می کند حتی اگر نزول آن قطعی شده باشد.»^۴

۱۰- بصیرت و بینش درونی

آنان که به یاد خدا هستند از وسوسه های شیطان متأثر نمی شوند و یاد خدا سلاخی است که از آنها در برابر شیطان محافظت می نماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۵

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۹۵.

۲. همان، ص ۳۰۳.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۷۹.

۴. همان، ج ۵، ص ۱۸۱، باب استحباب التقدم بالدعاء.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۶. اعراف: ۲۰۱.

کسانی که پرهیزگاری می‌کنند چون از شیطان وسوسه‌ای به آنها برسد، خدا را یاد می‌کنند، و در دم بصیرت یابند».

با توجه به اهمیت «ذکر الهی» و نقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسان‌های مؤمن، خداوند مؤمنان را از توجه به اموری که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد، برحذر می‌دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنید! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند!»^۱ بدیهی است توجه به مال و زندگی دنیوی در صورتی نهی شده است که انسان را از یاد خدا باز دارد و به عبارت دیگر؛ هدف انسان در زندگی توجّه به آنها باشد ولی در صورتی که انسان مراقب نفس خویش باشد و از اینها به عنوان وسیله برای رسیدن به سعادت ابدی استفاده کند، نه تنها مذموم نیست بلکه سفارش هم شده است. پس اموال و اولاد تا آنجا که از آنها در راه خدا و برای نیل به حیات طیّبه کمک گرفته شود، از مواهب الهی هستند و مطلوب می‌باشد اما اگر علاقه افراطی به آنها سدی در میان انسان و خدا ایجاد کند، بزرگترین بلا محسوب می‌شود و خسروانی بزرگ است که در آیه شریفه به همین معنا اشاره شده است.

۱۱- ایجاد خوف

از فضایل اخلاقی، که علمای اخلاق بر تحصیل آن تأکید می‌کنند، خوف الهی است. این ویژگی یکی از عوامل از بین بردن غفلت در انسان‌ها بوده و محرّک خوبی برای انجام اعمال صالح می‌باشد. در آیه ذیل سه ویژگی برای مؤمنان بیان گردیده است که یکی از آنها تحصیل خوف با یاد خداوند متعال می‌باشد: «مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند».^۲

و در آیه «همانها که چون نام خدا برده می‌شود، دل‌هایشان پر از خوف (پروردگار) می‌گردد و شکیبایان در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می‌رسد و آنها که نماز را برپا می‌دارند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می‌کنند».^۳

صفت خوفی که ناشی از یاد خدا باشد از ویژگی‌های مخبّتین (تواضع‌کنندگان) بیان شده است.

۱. منافقون: ۹.

۲. انفال: ۲.

۳. حج: ۳۵.

نتیجه

یکی از نیازهای بنیادین وجنبه های معنوی انسان، دعاست، دعا یک مفهوم کاملاً شخصی است که اعتقاد به آن عمدتاً از پیشینه‌ی مذهبی و دینی افراد سرچشمه می‌گیرد. هرگاه عبادات خصوصاً دعاهاى انسان ها با اعتقاد قلبی و خلوص نیت همراه باشد نه تنها آرامش روانی بلکه اعتلای روحی و روانی انسان را نیز به همراه دارد بلکه باعث می‌شود انسان در مسیر تربیت قرار گیرد و بتواند در ابتدا خود و در ادامه دیگران را به‌خوبی تربیت کند. از جمله آثار روحی و معنوی دعا را می‌توان این گونه بیان نمود: ایجاد خوف از خداوند، ایجاد بصیرت و بینش درونی، دفع بلایا، کاهش اضطراب و ...

منابع و مآخذ

*قرآن

* نهج البلاغه

- ۱- ابن فارس، ابی الحسن احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۲- ابن سینا، حسین بن عبدالله، التعليقات على شرح فصوص الحكم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
- ۳- آصفی، مهدی، آیین بندگی و نیایش، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۴۱۸ق .
- ۴- برازش، علیرضا، قرآن صاعد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۵- جعفری، محمدتقی، روانشناسی اسلامی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۸.
- ۶- حسینی دشتی، سید مصطفی، دائره المعارف جامع اسلامی، تهران: آرایه ۱۳۷۹.
- ۷- خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، تهران، دوستان، ۱۳۷۷.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن احمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه خسروی حسینی، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵.
- ۱۱- ریچارد، تکیسون و دیگران، روانشناسی هیلگارد، نیسان گاهان، مهدی محی الدین بناب، رضا ۱۲- زمانی، مهرداد بیک، مهرناز شهرآرای، محمدنقی براهنی، بهروز بیرشک تهران: رشد، ۱۳۸۵.
- ۱۳- شیرازی، ناصرمکا، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۸ .
- ۱۴- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، الحسینی، ج ۲، بی جا: مرتضوی، بی تا.
- ۱۵- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۱۶- قمی، عباس، مناجات المحبین، تهران: نگاران قلم، بی تا.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۱۸- کارنگی، دیل، آیین زندگی، ترجمه جهانگیر افخمی، چ ۱۱، تهران: ارمان، ۱۳۷۸.
- ۱۹- کارل، الکسیس، نیایش، ترجمه علی شریعتی، قم: انتشارات تشیع، بی تا.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: اسلامی، ۱۳۸۶.

- ۲۱-ملکی تبریزی، میرزا جواد ، المراقبات، ترجمه تحریرچی، قم: عروج، ۱۳۶۲.
- ۲۲- مؤمنی، علی، کمال انسان و انسان کامل، قم: آیت اشراق، ۱۳۷۸ .
- ۲۳- مصباح یزدی، محمدتقی، خودشناسی برای خودسازی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۵.
- ۲۴-مجلسی، محمد باقر ،بحار الانوار، قم: دارالاکتب الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
- ۲۵- معین، محمد ، لغت نامه معین، تهران: زرین، ۱۳۸۶.
- ۲۶-نوری، میرزا حسین ، مستدرک الوسائل، قم:موسسه آل البيت(ع)، الاحیاء التراث، بی تا.